

پس تو ای آدمی که دیگری را محکوم می کنی، هر که باشی هیچ عذری نداری. زیرا در هر موردی که دیگری را محکوم می کنی، خوشتن را محکوم کرده ای؛ چون تو که داوری می کنی، خود همان را انجام می دهی. 2. ما می دانیم که داوری خدا بر کسانی که این گونه اعمال را انجام می دهند، بر حق است. 3. پس تو ای آدمی که بر دیگران داوری می کنی و خود همان را انجام می دهی، آیا گمان می کنی که از داوری خدا خواهی رست؟ 4. یا اینکه مهربانی، شکیبایی و تحمل عظیم او را خوار می شماری و غافلی که مهربانی خدا از آن روست که تو را به توبه رهنمون شود؟ 5. اما تو به سبب سرسختی و دل ناتوبه کارت، غضب را نسبت به خود، برای روز غضب می اندوزی، روزی که در آن داوری عادلانه خدا آشکار خواهد شد. 6. خدا «به هر کس بر حسب اعمالش سزا خواهد داد» 7. او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان خواهد بخشید؛ 8. اما بر خودخواهان و منکران حقیقت و شرارت پیشگان، خشم و غضب خود را فرو خواهد ریخت. 9. هر کس که مرتکب اعمال بد شود دچار رنج و عذاب خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی 10. اما هر که نیکویی کند، از جلال و حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی 11. زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود.

ما بی گناهییم! حداقل ما دوست نداریم گناه را اذعان کنیم. و اگر گزینه دیگری وجود ندارد، دست کم آنها را تا حد امکان کوچک تر می کنیم. - همیشه تقصیر شخص دیگری است. در متن کتاب مقدس ما، پولس رسول قبلاً سه راه را ذکر می کند که در آن زمان و اکنون مردم سعی می کنند خود را توجیه کنند.

از یک طرف، انسان می گویند که در مورد گناه بی خبر بودند. آنها می گویند که نمی دانستند چه کاری باید انجام دهند یا نباید انجام دهند. یک ضربالمثل آلمانی می گوید «جهل از مجازات محافظت نمی کند». این اصل قبلاً در روم باستان معتبر بود و هنوز هم نه تنها در حضور خدا، بلکه در دادگاه نیز صادق است. نمی توانید با گفتن اینکه نمی دانستید، خود اجازه دهید دزدی کنید. وقتی چراغ قرمز ندیده بگیرید، تصادف خواهید دید با وجود این که بی خبر بودید که معنی چراغ قرمز چیست. ندیده گرفتن چراغ قرمز ۶۰ یورو هزینه دارد، هیچ بحثی در مورد آن وجود ندارد. جهل دفاع خوبی نیست. مانند پلیس، خدا نه به آنچه می دانیم، بلکه به آنچه انجام می دهیم نگاه می کند. او رفتار ما را قضاوت می کند.

دومین راه رفتن انسان برای تبرئه کردن خودشان این است که مردم همیشه تلاش می کنند گناه ی دیگران را برای کوچک ساختن گناه خودشان جلوه می دهند. مردم به خصوص دوست دارند به اشتباهات دیگران نشان دهند تا اشتباهات خودشان کمتر به نظر می رسند. آنها به عجیب و غریب دیگران نگاه کنند و از این طریق اشتباهات خود را بهانه بگیرند. نه تنها کتاب مقدس، بلکه ما امروز نیز از چنین تلاش هایی اطلاع داریم. بی جهت نیست که سخنان عیسی این بود: "چرا پر کاه را در چشم برادرت می بینی، اما از چوبی که در چشم خود داری غافل؟ و در داستان زن گناهکار گفت: "بگذارید هر که در بین شما بی گناه است سنگ اول را بیندازد" معنای آن جمله ها برای ما شناخته شده هستند. مثلاً به عنوان یک بچه مدرسه می توانستم خود را دفاع کنم با گفتن این که حداقل بدترین فردی در کلاس نبودم. پدر و مادرم چنین بهانه هایی را نمی پذیرفتند. در آن کلاس شکست خوردم و نت من بهتر نشد به دلیل آن که فرد دیگری بدتر از من بود. و خدا هیچ درجه بندی نسبی نمی شناسد که بتوانید در آن عذرخواهی کنید با اساس این که دیگران حتی بدتر هستند. پولس خیلی واضح به خوانندگان می گوید: «بنابراین، ای انسان، تو نمی توانی خود را تبرئه کنی، هر که هستی، آن که قضاوت می کنی، مهم نیست که چه بهانه ای می جویی». هیچ راه حال را پیدا نخواهید کرد مهم نیست که چه تعداد از هموعان شما بدتر از شما هستند، اگر شکست خورده باشید، شکست خورد! تمام!

سومین تلاش برای رهایی از حکم مجرمانه این است که با قاضی رابطه خوبی دنبال کنید. آیا او برادر شما است، هم تیمی شما در باشگاه فوتبال، پدرخوانده فرزندان شما یا بهترین دوست شما؟ سپس او مطمئناً گناه ی شما را کم می کند یا حتی به شما اجازه می دهد آزاد شوید. بیپرده نیست که قانون آلمان در صورت وجود ظن که قاضی بی طرف نیست، قاضی دیگری را تأیید می کند. اما چنین چیزی فقط در دادگاه اتفاق نمی افتد. کمتر معلمی وجود دارد که شاگردان مورد علاقه نداشته باشد. و والدین نیز یک فرزند را بیشتر از دیگران دوست دارند. در یک نظرسنجی، دست کم ۷۰ درصد از والدین به داشتن چنین فرزند مورد علاقه اعتراف کردند. مردم همیشه غرض آمیز هستند. و دیگران این را می دانند و سعی می کنند از آن استحالته کنند. خدا متفاوت است. هیچ فرزند را بیشتر از دیگری

دوست ندارد. او کاملاً بی طرف است. او هیچ مورد علاقه ای ندارد و به تو نگاه می کند، همینطور که هستی. به این دلیل نمی توانی عذرخواهی کنی. شما مقصری؛ شما گناهکار هستید شما نمی توانید از آن شرایط فرار کنید. شما نیز هیچ عذری در برابر قضاوت خدا ندارید. زیرا هیچ بهانه ای نیست و فقط خشم پروردگار را روز به روز جمع می شود.

اما اگر ما نتوانیم از طریق این همه ی راه از آن خلاص شویم، نه از طریق 1. جهل و نه از طریق 2. استحاله کردن و نه از طریق یک زندگی ظاهراً نسبتاً خوب، 3. خدا بی طرف است. پس آیا همه ی امیدها از بین رفته است؟ اگر من بر اساس کارهایم قضاوت می شوم که در حال حاضر نمی توانم خدا را راضی کنم و خود را در پیشگاه خداوند تبرئه نکنم، چه کاری باید انجام دهم؟ هنگامی که از ابتدا مشخص است که "ای انسان، نمی توانی عذرخواهی کنی و در فصل بعدی: "هیچ کس عادل نیست، حتی یک نفر نیست." چه کاری باید انجام دهیم؟ تنها یک راه وجود دارد. ما باید اعتراف کنیم.

اینکه ما برای روز توبه و دعا اینجا گرد هم آمده ایم دقیقاً همین اعتراف است. اعتراف به اینکه ما نمی توانیم خود را از گناه خود رها کنیم، نمی توانیم راه خود را از آن بخریم، درباره آن بحث کنیم یا در مورد آن ساکت بمانیم. این یک اعتراف است که ما قاضی دیگران نیستیم و قاضی خودمان هم نیستیم. قضاوت به تنهای کار خدا است.

چه در روز توبه و چه در هر روز دیگر، ما را به سوی خدا می رسانیم. توجه ی ما از خودمان، از کارهایمان، به سوی خود خدا جلب می کند، فوراً به محضر خدا می آییم. به جای اینکه سعی کنیم در خودمان پناه بگیریم، به خدا پناه می گیریم. تمرکز بر محکوم کردن دیگران نیست، بلکه به طور مشترک اعتراف می کنیم که گناهکار هستیم. پس از جملات پولس در متن امروز، که ما را از هرگونه دفاع شخصی محروم می کند، در فصل های بعدی توضیح می دهد که این کار ما نیست، بلکه کار مسیح است که بر اساس آن ما توسط خدا قضاوت می شویم. توبه ای که خدا به ما می دهد، بازگشت به این کار عیسی مسیح بر روی صلیب است.

به جای این که خود را دفاع کنیم، نگاه به او دوخته می کنیم که هم زمان قاضی و متهم است. که به صلیب آویزان شد زیرا گناه ی ما را به عهده گرفت. و هم زمان خدایی است که کارها را قضاوت می کند، کار ما را در همین کار عیسی مسیح قضاوت می شود. عیسی گناهان را به عهده گرفت، او برای ما گناه شد (دوم قرنتیان ۵: ۲۱)، و قبلاً گناهی را که ما پیش روی او می آوریم به دوش کشیده است.

خدا خود کسی است که کسانی را که در مسیح هستند داوری می کند. و پدر، قاضی، به کسانی که در مسیح هستند «جلال و افتخار و سلامتی» می دهد، «اول به یهودیان و همچنین به یونانیان». در این زمینه خدا نیز هیچ جانبداری نمی شناسد، بلکه هرکسی را که عضوی از مسیح است بر اساس اعمال عیسی قضاوت می کند و از طریق «مهربانی، صبر و شکیبایی» خدا از اعضای مسیح مراقبت می کند. و خدا از طریق عیسی مسیح به ما آشتی می دهد. آمین

باشد که صلح خدا، که از هر فهمی انسانی فراتر است، در مسیح عیسی از قلب و ذهن ما محافظت کند. آمین